

اشاره:

با فروپاشی شوروی سابق و تأسیس جمهوری‌های مستقل، بازاری بزرگ و پرتقاضا به روی تجار و سرمایه‌گذاران خارجی به ویژه در بلوک سرمایه‌داری باز شد. بازاری که تنها در منطقه آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز جمعیتی بالغ بر ۷۰ میلیون نفر را دربرمی‌گیرد.

آسیای مرکزی و قفقاز با دارا بودن ذخایر غنی زیرزمینی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری مناسبی را به روی جهان غیرکمیونسیت گشود تا این کشورها بتوانند در توسعه اقتصادی این ناحیه، نقش بزرگی ایفا کنند و برای خود منافع اقتصادی بلندمدتی را دست‌وپا نمایند.

شوروی سابق همواره دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس و از آنجا به آبراه‌های بین‌المللی را از آرمان‌های خود برای گسترش تجارت خارجی می‌پنداشت. در همین حال در یک دهه پیش از دوران جنگ سرد، بلوک غرب به سرکردگی آمریکا، حصار قوی به دور شوروی سابق کشیده بود و مانع از دسترسی آن به آب‌های بین‌المللی می‌شد. حتی حکومت دست‌نشانده شاه نیز در ارتباط با همسایه قدرتمند شمالی خود، تحت تأثیر القانات سیاستمداران آمریکایی، با احتیاط عمل می‌کرد.

با فروپاشی شوروی سابق، این حصار قوی در عمل بی‌اثر شد و روند مناسبات جهانی، چهره دیگری را فراروی تجار و سرمایه‌گذاران بین‌المللی نهاد. چهره‌ای که گسترش تجارت را اساس توسعه اقتصادی پایدار می‌داند و تلاش برای افزایش روابط خارجی را منشأ کسب منافع اقتصادی بلندمدت می‌شمارد.

شاید در میان کشورهای جهان، هیچ‌یک موقعیتی مناسب‌تر از ایران برای گسترش مناسبات اقتصادی با آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز را نداشته و ندارد.

در این گزارش تلاش داریم که نشان دهیم از این فرصت تجاری استثنایی چگونه بهره گرفته‌ایم.

### آیا از فرصت تجاری خود بهره برده‌ایم؟

کارشناسان اقتصادی با ارزیابی سطح مبادلات تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز بر این عقیده هستند که تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی تاکنون از فرصت‌های تجاری در آسیای مرکزی نه تنها بهره کافی نبرده‌اند، بلکه روند مناسبات تجاری سرمایه‌گذاری را تا حدودی خدشه‌دار ساخته‌اند.

انها اعتقاد دارند که با وجود کیلومترها مرز مشترک آبی و خاکی با کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز،

# فرصت‌های تجاری و سرمایه- گذاری

## در آسیای مرکزی از دولت می‌روند



سرمایه‌گذاران و بازرگانان ایرانی می‌توانستند بزرگ‌ترین شریک اقتصادی کشورهای این ناحیه باشند.

### ○ تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی تاکنون از فرصت‌های تجاری در آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز نه تنها بهره‌کافی نبرده‌اند، بلکه روند مناسبات تجاری را تا حدودی خدشه‌دار ساخته‌اند.

با توجه به تقسیم کاری که میان جمهوری‌های شوروی سابق بر اساس منابع اقتصادی منطقه‌ای صورت گرفته بود، کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز پس از فروپاشی شوروی سابق با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند.

در کشورهای مسلمان‌نشین حاشیه جنوبی شوروی سابق، میزان رشد و توسعه اقتصادی صنعتی به مراتب کمتر از سایر جمهوری‌ها بود، در حالی که این کشورها از منابع زیرزمینی بسیاری به‌ویژه در بخش انرژی برخوردار بودند.

از سوی دیگر قطع ارتباط تجاری گذشته و روند مناسبات آزاد در میان جمهوری‌های تازه استقلال یافته، بسیاری از ساکنان آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز را از دو جهت تحت فشار قرار می‌داد. اول آنکه آنها برای تأمین نیازمندی‌هایشان می‌بایست ارز معتبر به یکدیگر می‌پرداختند، در حالی که ذخایر قابل توجهی در این بخش نداشتند. دوم آنکه راه‌های مناسبات تجاری خارجی آنها تنها متکی به روسیه بود و این کشور تنها موقعیت تجاری برای صادرات آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز به‌ویژه در بخش انرژی بود.

در همین حال بسیاری از صنایع پایه‌گذاری شده در جمهوری‌های آسیای مرکزی به دریافت مواد اولیه از دیگر جمهوری‌ها متکی بود و کمبود منابع ارزی سبب شد که برخی صنایع این منطقه به تعطیلی کشیده شوند.

با این وجود، افزایش مناسبات خارجی میان ساکنان آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز و دیگر ملل جهان، افزایش تقاضا برای محصولات خارجی را دامن زد. تقاضا برای کالاهای مصرفی کم‌دوام و بادوام به سرعت روبه‌فزونی نهاد و در سال‌های نخست ایجاد این جمهوری‌ها، تقریباً هر کالای خارجی یا هر کیفیتی در بازارها به فروش می‌رفت.

اما از این شرایط مساعد برای ایجاد عادت مصرفی به نفع تولیدات ایرانی، به شکل مناسب بهره‌ای گرفته نشد. کالاهای

فاقد کیفیت روانه این بازارها شد و سرانجام پس از یک دوره کوتاه‌مدت، بازگشت مصرف‌کنندگان محلی به استفاده از کالاهای مرغوب، منجر به عقب راندن محصولات ایرانی از این بازارها شد.

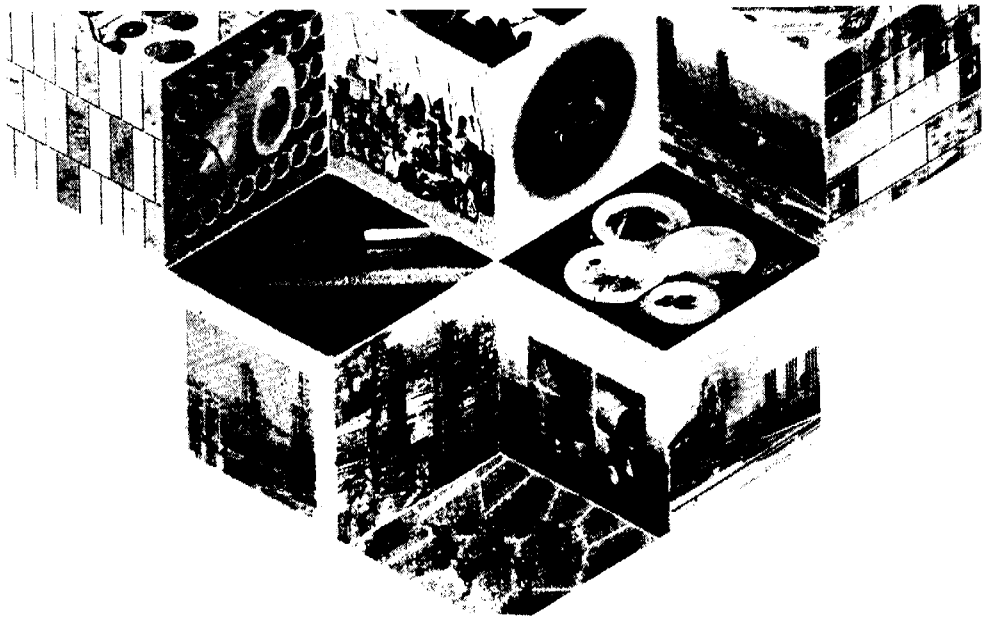
آمارهای منتشره از سوی منابع رسمی نشان می‌دهد که آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز در دهه جاری با کاهش تولید روبه‌رو بوده‌اند. حتی در سال ۱۹۹۷ که وضعیت اقتصادی این کشورها در مقایسه با سال‌های نخست به مراتب بهبود یافته، باز هم سطح تولید در تاجیکستان، ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان سیر نزولی طی کرده و فقط در گرجستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان وضع تولید سامان یافته و رو به فزونی نهاده است. از چنین فرصت طلایی می‌شد به بهترین شکل بهره گرفت.

کارشناسان اقتصادی بر این عقیده هستند که تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی حتی در کشورهای آسیای مرکزی عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نتوانستند از توافقاتی گمرکی به عمل آمده به شکل مناسب بهره بگیرند و صادرات کالا و سرمایه‌هایشان به این بازارها را به‌طور اساسی رونق بخشند. در مقابل سرمایه‌گذاران و تجار غربی، حتی تجار ترکیه توانستند از این موقعیت به نحو بهتری استفاده کنند و موقعیت خود را در این بازارها تحکیم بخشند.

کارشناسان با اشاره به توانمندی‌های ایران در زمینه صدور و عبور کالا (ترانزیت) عقیده دارند که ایران می‌توانست نخستین شریک تجاری معتبر کشورهای منطقه باشد، در حالی که عرضه کالاهای نامرغوب به این جمهوری‌ها، مصرف‌کنندگان را ناراضی ساخت.

بنا به گزارش خبرنگار ما، در شهر نیت‌داغ استان بالکان ترکمنستان، یک فروشگاه ایرانی در مرکز خرید شهر دایر شده است. اما در این فروشگاه کالاهایی عرضه شده که حتی در بازار داخلی مورد پسند مصرف‌کنندگان نیست.

### ○ در کشورهای مسلمان حاشیه جنوبی شوروی سابق، میزان رشد و توسعه اقتصادی - صنعتی به مراتب کمتر از سایر جمهوری‌ها بوده است، در حالی که این کشورها از منابع زیرزمینی غنی به‌ویژه در بخش انرژی برخوردار هستند.



سای ایرانی به تلاش خود برای تسخیر این بازارها افزوده‌اند. آنها از محدودۀ صدور کالا گام را فراتر نهاده و به انتقال سرمایه روی آورده‌اند.

گزارش‌های منتشر شده از سوی منابع رسمی گواهِ بر آن است که سرمایه‌گذاری غربی‌ها در بازارهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز در بخش‌های مختلف صنعتی، معدنی، انرژی، خدمات و... روز به روز افزایش می‌یابد.

کارشناسان اقتصادی با اشاره به امضاء صدها سند یادداشت تفاهم و همکاری میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز تأکید دارند که امضاء این اسناد به تنهایی نمی‌تواند راهی برای گسترش مناسبات اقتصادی باز کند، بلکه می‌بایست نظام اطلاع‌رسانی منظمی از این بازارها به وجود آید و فرصت‌های تجاری این منطقه برای تجار و سرمایه‌گذاران تشریح گردد. در این راستا ضرورت دارد که نهادهای مسؤؤل، تلاش بیشتری را به عمل آورند تا آخرین وضعیت اقتصادی و فرصت‌های تجاری را به اطلاع تجار و سرمایه‌گذاران برسانند.

از سوی دیگر بستر گسترش صادرات کالا و سرمایه به بازارهای آسیای مرکزی را تسهیل نماید. با وجود توانمندی‌های اقتصادی، مرزهای مشترک آبی و خاکی، نزدیکی فرهنگ و زبان و علایق ساکنان آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز به گسترش ارتباطات با ایران اسلامی، شاید کمتر کشوری موقعیت ایران را برای توسعه مناسبات اقتصادی با منطقه داشته باشد.

به عقیدۀ کارشناسان، اجرای سیاست‌هایی نظیر بیمه‌های

مدیر این فروشگاه با عرضه یک دستگاه یخچال با قیمتی حدود ۱۰۰ دلار بالاتر از کالاهای مشابه خارجی (حتی یخچال‌های ساخت ترکیه) معتقد است که کالاهای مصرفی بادوام ایرانی به لحاظ قیمت تمام‌شده بالا و هزینه سنگین حمل و نقل قادر به رقابت در این بازار نیست.

### ○ حرکت برای ایجاد منطقه آزاد تجاری مشترک با کشورهای آسیای مرکزی در گسترش روند مناسبات تجاری مؤثر است، اما فضای مساعد برای چنین اقدامی هنوز در ایران وجود ندارد.

در همین حال در این شهر یک فروشگاه دیگر در منطقه غیرتجاری از سوی یک بازرگان ترکیه‌ای دایر شده که کالاهای مصرفی کم‌دوام و تقریباً بادوام را عرضه کرده است. این فروشگاه تقریباً در تمام ساعاتی که دایر می‌باشد، مشتری دارد. در این فروشگاه کالاها به شکل مناسبی عرضه شده‌اند و مشتریان را جذب می‌کنند، در حالی که قیمت آنها در مقایسه با بازار داخلی ترکیه حتی ارزان نمی‌باشد. در همین شهر سرمایه‌گذاران ترکیه‌ای در زمینه ساخت هتل و... سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

در دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز نیز وضعیت کالاهای صادراتی ایرانی بهتر از نمونه‌های یاد شده نمی‌باشد و این امر نشان می‌دهد که فرصت طلایی تجارت با این منطقه در حال از دست رفتن می‌باشد، در حالی که رقابتی

کارشناسان اقتصادی برای باور هستند که بازار بالقوه آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز در تمام زمینه‌ها از جمله مواد غذایی آماده، خودرو، سیمان، فولاد، مواد پتروشیمی، مواد آرایشی و بهداشتی، لوازم ساختمانی، انواع آلیاژها، لوازم خانگی و... برای صادرات غیرنفتی ایران تقاضا دارد. لیکن می‌بایست به این بازار مانند سایر بازارها نگاه شود و از صدور کالاهای فاقد کیفیت و بسته‌بندی نامناسب به شدت پرهیز گردد. البته حمایت دولت برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی ضروری است. اما اقدام نامناسب تجار خرده‌پا در عرضه کالاهای فاقد کیفیت و با قیمت ارزان، نمی‌تواند ضامن حضور قوی صادرکنندگان ایرانی در بازار آسیای مرکزی باشد. اگرچه هنوز ظرفیت قابل توجه آسیای مرکزی برای تجارت و سرمایه‌گذاری حتی برای مسئولان و برنامه‌ریزان اقتصادی و تجاری کشور به‌طور کامل شناسایی نشده، اما کوتاهی در این زمینه‌ها سبب می‌شود که بخش خصوصی ایران نتواند از تقاضای بالقوه منطقه به‌خوبی بهره‌برداری کند و در جهت منافع ملی کشور کام بردارد.

کارشناسان اعتقاد دارند که هنوز زمان برای جبران گذشته از دست نرفته است، لیکن می‌بایست ظرف دو سه سال آینده، گام‌های اساسی را برداشت، در غیر این صورت رقابت کالاهای ایرانی در بازارهای آسیای مرکزی به جهت نفوذ کالاهای رقیب بسیار دشوار خواهد شد. آنها اعتقاد دارند که از یک سو دولت می‌بایست تسهیلات ویژه‌ای برای تاجر طرف معامله با کشورهای آسیای مرکزی برقرار و بستر تجارت را فراهم سازد و از سوی دیگر صادرکنندگان با عرضه کالاهای مرغوب و قیمت رقابتی سعی نمایند در این بازارها نفوذ کنند.

انها می‌گویند جلوگیری از صدور کالاهای فاقد استاندارد حتی در بازارچه‌های مرزی از اقدام‌های ضروری است که به هیچ‌وجه نباید نادیده گرفته شود.

در همین حال تلاش از سوی مسئولان دولتی و مدیران بنگاه‌های اقتصادی برای کاهش قیمت تمام‌شده کالاها و هزینه حمل و نقل می‌بایست مضاعف گردد تا امکان رقابت در آسیای مرکزی برای کالاهای غیرنفتی فراهم شود.

صادراتی، صندوق ضمانت صادرات، خریدهای مزیتی از کشورهای آسیای مرکزی، امتیازات خاص ورود کالا برای صادرکنندگان کالا به این کشورها و... تا حدودی می‌تواند زمینه را برای توسعه مناسبات فراهم کند. البته این اقدام‌ها کافی نیست. انجام سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز برای تولید کالاهایی که مواد اولیه‌شان در این کشورها موجود است، روشی است که به تدریج می‌تواند به نفوذ در این بازارها و ایجاد یک بازار دایمی و وابسته به ایران در برخی از این کشورها کمک کند. البته ایجاد چنین فرآیندی به تدوین سیاست‌های تشویقی و دقیق نیاز دارد که متأسفانه در سال‌های اخیر مدنظر مسئولان و برنامه‌ریزان قرار نگرفته است.

## ○ با توجه به توانمندی‌های اقتصادی و موقعیت خاص جغرافیایی برای عبور کالا (ترانزیت)، ایران می‌توانست نخستین شریک تجاری معتبر کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز باشد.

کارشناسان اعتقاد دارند که حرکت برای ایجاد منطقه آزاد تجاری مشترک با کشورهای آسیای مرکزی در ایجاد روند رشد مناسبات تجاری منطقه‌ای اثر مثبتی دارد، لیکن در ایران هنوز فضای مساعد برای چنین اقدام‌هایی وجود ندارد و محدودیت‌هایی در کار است که در بلندمدت به ضرر تاجر و سرمایه‌گذاران ایرانی تمام می‌شود و از سوی دیگر فضای مساعد برای گسترش حجم مناسبات اقتصادی ایران با آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز را فراهم نمی‌سازد.

حرکت‌های مقطعی در اعطای تسهیلات به صادرکنندگانی که با آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز مراد شده دارند و به فراموشی سپرده شدن آنها پس از یک دوره کوتاه، نه تنها راهگشا نیست، بلکه ضربات و صدمات اقتصادی به دنبال دارد. مهم‌ترین معضل آن است که تاجر و سرمایه‌گذاران خصوصی کشور با بی‌اعتمادی نسبت به استمرار سیاست‌های دولت در گسترش مرادوات اقتصادی با آسیای مرکزی، این بازارها را کنار می‌گذارند. در نتیجه بخشی از بازار خارجی که به لحاظ نزدیکی مسافت می‌تواند در شمار بازارهای هدف برای صادرات غیرنفتی محسوب گردد، از گردونه خارج می‌شود و رونق صادرات غیرنفتی با دشواری روبه‌رو می‌گردد.

